

رئیس - دستور روز سه شنبه قانون مدرسه نظامی - رایورت کمیسیون تجارت راجع بچرمسازی رایورت کمیسیون بودجه راجع به بیست کرور نقره مخالفتی هست .

مقتصر السلطان - میخواستیم عرض کنم رایورت کمیسیون انتخابات را اگر داده اند بفرمائید طبع و توزیع بکنند و جزء دستور روز سه شنبه بگذارید و اگر هم هنوز رایورت نداده اند خوب است معلوم بفرمائید کی خواهند داد و اصلاً در این دوره رایورت کمیسیون انتخابات بمجلس میآید یا نمیآید .

رئیس - هنوز رایورت کمیسیون انتخابات نرسیده است که جزء دستور بگذاریم .

حاج سید نصر الله - مخبر کمیسیون اعضاء نمیآیند مخصوصاً آن روز هم که روز انعقاد کمیسیون بود خبر کردیم آقایان تشریف نیاوردند .

رئیس - بنده خبر میکنم بیایند گویا يك جلسه کافی باشد از برای اینکه رایورت داده شود **حاج سید نصر الله** - بله يك جلسه دیگر فقط باید بشود که رایورت آن نوشته شود .

رئیس - پس خبر میدهم که برای روز سه شنبه حاضر بشوند و رایورت آن نوشته شود و برای روز پنجشنبه جزء دستور می گذاریم دیگر مخالفی هست؟ (اظهاری نشد رئیس حرکت نمودند مجلس نیمساعت قبل از ظهر ختم شد .

جلسه ۲۸۰

صورت مشروح روز سه شنبه هشتم

شهر شعبان المعظم ۱۱ برج اسد ۱۳۲۹

رئیس آقای مؤتمن الملك ۲ ساعت و پنجده دقیقه قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس فرمودند و ۲ ساعت و ۴۵ دقیقه قبل از ظهر مجلس رسماً تشکیل گردید صورت جلسه روز سه شنبه سیم را آقای آقا میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند غائبین جلسه قبل آقایان دکتر سعید الاطباء - بهجت - بدون اطلاع - آقایان : دکتر حیدر میرزا - حاج شیخ رئیس - آقا میرزا رضای مستوفی - لواء الدوله - بدون اجازه - آقای آقا محمد با اجازه آقا میرزا مرتضی قلیخان مریض .

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد - رقیمة از طرف آقایان حجج اسلام و علماء اعلام رسیده است قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه حاضرأ مبارک نمایندگان محترم مسبوق است که بزرگترین تکلیف دینیه عموم مسلمین حفظ استقلال مملکت اسلامی و سعی در ترقی و شوکت اسلام است بدیهی است حوادث اسف انگیز امروزه مقدمه بردن استقلال مملکت اسلامی است مقام مقدس روحانیت اسلامی که بر حسب تکلیف شرعی در مقام حفظ استقلال مملکت در هر مورد پیشقدم بوده در این موقع نیز لازم میدانند که خاطر عموم را مستحضر نمایند که امروزه حمط استقلال مملکت اسلامی و جلوگیری از مقاصد کسانیکه در مقام اضمحلال اسلام و ایراند لازم و هیئت مقدسه اتحادیه علماء مشغول انجام وظیفه خود واز نمایندگان محترم نیز ۲ مطلب

را متمنی است یکی آنکه هر گونه اقداماتی که از وظایف مقام علماء است بنظر آنها برسد اعلام دارند تا اقدام شود دیگر آنکه برای سرعت تأثیر اقدامات هیئت معجلا در مقام جلب قلوب ملت بر آمده رفع موجبات تنفر عامه اسباب خوشنودی عموم را فراهم نمایند (هیئت اتحادیه علماء) آقای آقا شیخ محمد تقی آیه الله زاده - آقای آقا سید کمال الدین بهبهانی آقای آقا سید حسین - آقای سلطان العلماء - آقای آقا حسن حایری شوشتری - آقای آقا سید حسن بروجردی - آقای آقا سید محمد معروف بعصار - آقای آقا میرزا سید محمد بهبهانی - آقای آقا شیخ عبدالحسین کنی - آقای صدر العلماء - آقای آقا میرزا محسن - آقای آقا سید محمد حیاط شاهی - آقای آقا شیخ محمد عرب - آقای آقا شیخ محمد صادق کاشانی - آقای آقا شیخ محمد تقی نهاوندی آقای حاج سید هادی نوری - آقای آقا شیخ عبدالله آقای آقا شیخ محمد حسین یزدی - آقای آقا سید زین العابدین - لواسانی - آقای آقا سید موسی نجل مرحوم آقا سید ریحان الله - آقای آقا سید محمد نجل مرحوم آقا سید ریحان الله - آقای آقا سید مهدی حجة الاسلام زاده افجه - آقای آقا میرزا علی طهرانی - آقای آقا سید احمد دماوندی - آقای حاج سید مصطفی - آقای آقا سید محمد یزدی - آقای آقا سید علی آقا - آقای آقا شیخ محمد رضای قمی - آقای آقا میرزا محمد حسین شیرازی - آقای آقا شیخ باقر .

رئیس - آقایان حجج الاسلام و علماء اعلام بخوبی مسبوقند که استقرار اساسی مشروطیت بیشتر برای اجرای احکام و حفظ مملکت اسلامی و ترتیبات و تهیه موجبات آسایش عمومی است که مقصد اصلی دین مبین است بوده این است که از بدو امر آقایان حجج الاسلام و علماء اعلام در استقرار این اساس همه قسم مساعدت و مجاهدت را فرمودند و از هیچگونه همراهی مضایقه نکردند در این موقع هم که این ترتیبات بیش آمده است از مدلول این مرقومه بخوبی معلوم میشود که آقایان حجج الاسلام بخوبی متوجه این نکته شده اند که وضعی که تازه دارد پیش میآید چه عاقبت وخیمی از برای مملکت اسلامی دارد ما هم متوقع و مترصد بودیم که از طرف آقایان حجج الاسلام اینگونه اظهارات بشود هر چند دولت اقدامات کافی نموده و استعدادی برای جلوگیری از این ترتیباتی که بیش آمده بخوبی فراهم کرده ولی از طرف دیگر چنانچه به همراهی و مساعدت معنوی آقای حجج الاسلام محتاج بودیم حالا هم بوده و همیشه خواهیم بود البته آقایان نمایندگان با بنده همراه هستند که جواب آقایان حجج الاسلام و علماء اعلام مبنی بر تشکر و امتنان از طرف مجلس نوشته و در جلسه آتیه قرائت شود و خدمت آقایان فرستاده شود (عموماً گفتند صحیح است) دستور امروز یعنی امروز روز سه شنبه چنانچه ملاحظه فرمودید سه فقره بود که دو فقره از آنرا وزارتخانه مسترد کردند تا پاره ملاحظات بنمایند این بود که نتوانستیم روز سه شنبه مجلس را منعقد کنیم نظامنامه انتخابات هنوز حاضر نشده بود دیروز حاضر و طبع و توزیع هم شد چنانچه

مخالف نباشید امروز مذاکره شود (اظهار موافقت کردند)

حاج شیخعلی خراسانی - مقصود از مذاکره در کلیات اگر قبول وعدم قبول است کسی مخالفی نیست و اساساً يك قانونی است که هیچکس مخالف نیست اما اگر راجع بنواقص است در اول این قانون ذکر شده است صورتیکه عده نمایندگان راعین خواهد کرد باین نظامنامه منضم خواهد شد و تا بحال طبع و توزیع نشده و بما داده نشده است آیا از کمیسیون رایورت نداده اند یا اینکه رایورت داده اند ولی هنوز طبع و توزیع نشده است میخواستیم این را از آقای مخبر سؤال کنم که جواب بدهند چون این مسئله ناقص است .

ذکاء الملك مخبر کمیسیون - حوزه بندیها هنوز کاملاً تمام نشده است و بعلاوه مذاکره کردن در این قانون متوقف بر حوزه بندی نخواهد بود و آنهم عنقریب تمام خواهد شد و علیحده باید بیاید و در مجلس گفتگو شده و رای گرفته شود .

رئیس - دیگر در کلیات مخالفی نیست (گفتند خیر) رای میگیریم که داخل مواد شویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس فصل اول میماید برای بعد .

ذکاء الملك - ماده اول و دویم بطوریکه فرمودند میماند برای بعد پس از آنکه آن جدول حاضر شد در این دو ماده مذاکره خواهد شد .

رئیس - ماده سیم قرائت میشود (ببارت ذیل قرائت شد)

فصل دویم شرایط انتخاب کنندگان ماده سیم - انتخاب کنندگان اشخاصی خواهند بود که دارای شرایط ذیل باشند (۱) تبعه ایران باشند (۲) لا اقل بیست سال داشته باشند (۳) معروفیت محلی داشته و اگر بومی یا متوطن بآن محل باشند لا اقل ششماه قبل از انتخاب در محل انتخاب یا توابع آن سکنی داشته باشند (۴) لا اقل دارای یکصد و پنجاه تومان علاقه ملکی یا ده تومان مالیات بده باشند یا سی و شش تومان عایدی سالیانه داشته باشند مگر محصلین مدارس از این شرط معاف هستند .

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم مجلس هم صلاح نداند مادر اینجا صد و پنجاه تومان علاقه کلی را شرط قرار بدهیم یا آنکه ده تومان مالیات بده باشند آن شرایط سابق الذکر برای انتخاب کردن کافی است .

معزز الملك - بنده تصور نمیکنم که اشکال در این فقره چهارم باشد که نوشته شده لا اقل دارای یکصد و پنجاه تومان علاقه ملکی باشد یا ده تومان مالیات بده باشد یا سی و شش تومان در سال عایدی داشته باشد و الا این سه شرط است و نکته آنست حتی هر سه شرط در یک نفر جمع باشد گفته اند یکی از این سه شرط را دارا باشد حالا برای چه این شرایط را کرده اند برای این است که کلیه کسانیکه مدخله میکنند در امور سیاسی مملکتی باید يك رشته اتصالی هم باین آب خاک داشته باشند اما اگر يك اشخاصی باشند که فقط یگانه رشته اتصال آنها با این آب و خاک ایرانیت باشد این کافی نیست میگویند باید لا اقل دارای یکصد و پنجاه تومان علاقه باشند و این يك

چیز زیادی نیست و این میسراند که از طبقه مملکت هم باید داخل باشند یا لااقل ده تومان مالیات بده باشند اگر این دو تا هم نشد آنوقت عایدی سالیانه اش سی و شش تومان باشد یعنی روزی یکقران عایدی داشته باشد آن وقت باید دید در این مملکت چقدر اشخاص هستند که روزی یکقران عایدی دارند که بتوانند گذران کنند و این سی و شش تومن را که اینجان نوشته است و باید داشته باشید این معنی اشتباه میکند آن اشخاصی را که در ماده بعد میآید یعنی منع کرده است آنها را که متکدیان هستند یا آن هائیکه از يك محل با شرفی کسب معاش نمیکنند که از انتخاب کردن محروم باشند.

دکتر حاج رضاخان - اگر ملاحظه فرمائید آقای معزز الملک آن بیان خودشان را خواهند دید که ده تومان مالیات و یکصد و پنجاه تومان دارائی هیچ متناسب نیست و لغو است برای اینکه میگویند هر کس بتواند روزی يك قران پیدا بکند این خودش میفهماند که این عایدی عایدی ماهانه نیست یعنی عایدی روزانه است پس هر کس لابد يك محل معاش دارد و روزی يك قران را پیدا خواهد کرد حالا آن شخص به پیشرفته زندگی کرد یا با شرف دیگر او را نمیپرسند که عایدی شما از چه محل است یا ده تومان مالیات میدهی یا نمیدهی در صورتیکه این عایدی عایدی ثابت نیست بنده بکلی آن صد و پنجاه تومان دارائی و ده تومان مالیات را لغو میدانم بجهة اینکه ده تومان مالیات را در ایران يك کسی میدهد که اقلاً سه هزار تومان یا اقلاً پانصد تومان علاقه داشته باشد و اگر آن عایدی را با صد و پنجاه تومان ملک بسنجیم می بینیم که الا این سه جمله متضاد و هیچ متناسب با هم نیست و آن عایدی هم که عایدی ثابت نباشد یعنی عایدی از پول یا ملک باشد و فقط عایدی روزانه باشد دیگر این دو قید را (یعنی مسئله مالک بودن و مالیات بده بودن) را لازم ندارد.

ذکاء الملک - میزانی از تمول را شرط قرار دادن در انتخاب بدون نظر است یکی بنظر اینکه شخص معتقد باشد که اشخاصیکه منتخب میشوند باید متمول باشند و دیگری نظر باینکه برای آنها يك مزیت و برتری تصور میکند و میگوید فقط آن ها باید حق انتخاب داشته باشند و آن هائی که تمول ندارند و فقیر و بی بضاعت هستند حق ندارند گمان میکنم که در مجلس شورای ملی ایران کسی نباشد که این اعتقاد را داشته باشد که اشخاص بی بضاعت حق انتخاب و مداخله در امور سیاسی را نداشته باشند ولی يك نظر دیگری هست و آن نظری است که آقای معزز الملک هم فرمودند و آن این است که در واقع میتوان گفت مردمان بی شرف هستند آن ها دخالت در امور سیاسی نکنند نظر باینکه مسئله این ترتیب را در کمیسیون اخذ کرده اند که یکی از این سه امر را قرار داده اند و حدی را که قرار داده اند اول مراتب است که اگر از آن کمتر شد میتوان گفت که آن اشخاص واقعا حق ندارند مداخله در امور مملکت نمایند و اگر نباشد يك آدمی روزی يك قران عایدی نداشته باشد البته تقریباً میتوان گفت که است و گدا حق دارد در مملکت مانمانده داشته باشد اما عدم تناسب با یکدیگر این است ما تصدیق داریم که صد و پنجاه تومان علاقه ملکی یا ده تومان مالیات یا سی و شش

تومان عایدی سالیانه با هم متناسب نیست ولی چون نظر باین نموده است که تمول را شرط قرار بدیم باین جهت رعایت این تناسب را نکرده ایم مقصود تمول نیست مقصود این است که آن اشخاصیکه حق انتخاب دارند آدمی باشند که ممر معاشی داشته باشند و این ترتیب را کافی دانستیم ولی معذک اصراری نداریم که حتماً این سه شرط مجری باشد هر گاه پیشنهادی بکنید قبول خواهیم کرد.

حاج شیخعلی خراسانی - آنچه که اساس حکومت ملی است همین حق انتخاب است و حکومت ملی حکومتی را می گویند که همه اشخاص در آن حکومت حق داشته باشند و آن همین حق انتخابی است که بجمیع اهالی داده میشود اهالی ایران که چهار قسم بیشتر نخواهد بود یا مالکند یا زحمت کشان یا اهل علم یا اهل نظام اشخاصیکه داخل در نظام هستند بواسطه تجربه هائی که شده است در همه ممالک آن ها را از رأی دادن محروم نموده اند بجهة آن ضروری که متصور بوده است آن وقت آن اشخاصیکه زحمت میکشند در این مملکت که باید رأی بدهند یا باید يك میزانی بجهة آن ها معین کنیم که بچه حدی که رسیدند حق رأی دادن در انتخاب را دارند بیست سال داشته باشند تبعه ایران هم باشند این صحیح است آن وقت در صورتیکه تصدیق بکنیم که در سال سی و شش تومان از عایدی ملک یا از زحمت کشیدن خودش داشته باشد دیگر صد و پنجاه تومان در تحت این قسمت مستهلک است هر کس که صد و پنجاه تومان ملک داشته باشد لابد در سال سی و شش تومان عایدی دارد چطور میشود کسی صد و پنجاه تومان علاقه ملکی داشته باشد ولی در سال سی و شش تومان عایدی نداشته باشد که خرج بکند پس از کجا خرج میکند ممکن است که يك شخصی در ایران بیست سال داشته باشد و سی و شش تومان در سال عایدی نداشته باشد که صرف معاش بکند پس آن وقت داخل در همان اشخاص بی شرف خواهد بود که از طریق غیر مشروع ممر معاش خود را بدست میآورند و اگر از ممر مشروعی بتواند بدست بیاورد وقتی که سی و شش تومان عایدی زحمت کشان را در قرار دادیم دیگران ده تومان مالیات آن ها تحت آن هست و آن دو قسمت اولی زیاد است و لازم نیست زیرا آن کسی هم که ده تومان مالیات بده هست بدیهی است که سی و شش تومان عایدی دارد پس این قید زائد است همان يك قسمت سی و شش تومان چه از عایدی و چه از ملک کافی است و این دو قسمت زیادی است نه این که این مقصود باشد و بهیچوجه علاقه و عایدی نداشته باشد و يك شخص بی شرفی باشد بجهة این که سی و شش تومان که عایدی داشت اعم از اینکه زحمت کش باشد یا از عایدی ملک باشد همینکه بگویند که از محل مشروع در سال بجهة معاش خودش تحصیل میکند کافی است دیگر لازم نیست باینکه آن دو قسمت دیگر را بنویسیم که اسباب اشکال فراهم بیاید.

معزز الملک - اولاً بنده تصور میکنم که کلمه (بی شرف) اینجا نباید تکرار بشود بجهة اینکه يك کسیکه عایدی و علاقه نداشته باشد لازم

نمیآید که بی شرف باشد اما در اصل مسئله معلوم میشود آقایان دکتر حاج رضا خان و آقای حاج شیخ علی اساس مسئله را تصدیق دارند بجهة اینکه میفرمایند اگر سی و شش تومان عایدی سالیانه داشته باشد دیگر آن دو شرط لازم نیست پس اساس مسئله را مسلم دارند و میگویند که آن دو شرط زائد است و بنده دیگر در اساس مسئله حرف نمیزنم ولی اکتفا کردن بهمین سی و شش تومان عایدی سالیانه هنوز کافی نیست بجهة اینکه با این مسئله و شرط دیگر راز یاد کردن دائره را وسیع تر میکنند بجهة اینکه مثلاً ممکن است يك کسی يك خانه داشته باشد که یکصد و پنجاه تومان قیمت داشته باشد و ممکن است این خانه فعلاً در دست او نباشد پیش یکی رهن گذاشته باشد عایدی آن بدست او نرسد ولی این خانه که از ملکیت او خارج نشده است دارای ملکیت است که صد و پنجاه تومان قیمت دارد و در صورتیکه اگر فقط شرط کنیم که سی و شش تومان عایدی داشته باشد ممکن است آنوقت اوصاحب ملک صد و پنجاه تومانی باشد و لکن سی و شش تومان عایدی نداشته باشد و مطابق قیدیکه کردیم از انتخاب محروم است در صورتیکه آن کسیکه يك خانه صد و پنجاه تومانی دارد ولو اینکه در این دوره سی و شش تومان عایدی ندارد او هم باید حق داشته باشد انتخاب کند یا بطور دیگری آنهائیکه در اطراف هستند ممکن است يك قناتی داشته باشند و این يك ملکیت است که ده تومان مالیات دارد لکن آلان قناتش مخروبه است باید صاحب آن بعد ها زحمت بکشد تا آن را دائر نماید که بعد از این فایده از آن ببرد ولی مطابق ترتیب مالیاتی که برقرار شده است ده تومان از این شخص مالیات میگیرند حالا ظلم است این بنده کار ندارم اگر فقط اکتفا بشود باینکه سی و شش تومان عایدی سالیانه داشته باشد آنوقت ممکن است سی و شش تومان عایدی سالیانه را نداشته باشد در آن صورت حق انتخاب کردن را ندارد و عرض کردم که نگفته اند این هر سه شرط مجموعاً در یکی جمع باشند گفتند که یا این باید باشد یا آن یا آن و خود این مسئله اسباب وسعت دائره است و بیشتر حق میدهد بکسانی که انتخاب می کنند در صورتیکه اگر سی و شش تومان عایدی را بنویسند ممکن است صد و پنجاه تومان علاقه ملکی داشته باشد و یا ده تومان مالیات بده باشد و سی و شش تومان عایدی نداشته باشد پس باینججه وقتیکه اساس مسئله تصویب شد بنده هیچ اختلافی نمی بینم در این سه فقره که یا صد و پنجاه تومان دارائی داشته باشد یا ده تومان مالیات بده باشد و اگر این دو تا فراهم نبود منحصر بود بقیمت سیم یعنی چه یعنی روزی یکقران داشته باشد که بتواند گذران بکند.

آقای سید حسین اردبیلی - نظر بنده راجع بقسمت سیم ماده است و آن معروفیت محللی است که برای انتخاب کننده شرط قرار داده اند نمی دانم بچه ملاحظه است که این شرط را در این جا قید کرده اند بسا میشود اگر این شرط را قبول بکنیم يك جمعی را انجمن نظار رد بکنند و بگویند بواسطه عدم معروفیت شمارا قبول نداریم و بقییده بنده این

معروفیت باید در انتخاب شونده ملحوظ باشد نه این که در انتخاب کننده شاید بایشکه دارای این شرایط سابقه بود معروفیت محلی در او نبود یعنی کسی نبود که با مردم معاشرت داشته باشد و غالباً او را نشناسند باینجه در انتخاب کننده این قید را زائد میدانم و باید این قید حذف شود والا جمعی کثیر از انتخاب محروم میمانند .

لواءالدوله - عرض میکنم اگر ترتیب انتخابات بی شرط باشد همه حق دارند حق هیچکس را هم نمیشود سلب کرد آن اشخاصیکه در این جا علاقه دارند و دلشان میسوزد باید آنها انتخاب کنند و انتخاب نشوند امروز اگر بنده خانه نداشته باشم هیچوقت محتاج آب نیستم آب مملکت کم شد کم شد که نداشته باشم هیچوقت نمیگویم آب چطور شد زندگانی من میبود در صورتی که انسا یک علاقه نداشته باشد نمیگوید اجنبی آمدشهر مرا تصرف کرد تصرف کرد کرد بجال من چه فرق میکند اینجا هشتم نشد جای دیگر میروم هر جا رفتم رفتم گرانی شد همه بنده نان که یکعباسی گران تر شد فردا میروم آن جائیکه ارزان تر است اما اگر علاقه داشته باشد دلش بجال خودش میسوزد و نوع خودش را هم آنوقت مثل خودش میندازد اما اگر آن شخص دارای چیزی نباشد یعنی (۳۶) تومان عایدی را نداشته باشد و علاوه ملکی هم نداشته باشد خوش نشین است هیچوقت دلش نمیسوزد و آن اشخاص بیعلاقه را انجمن نظار نباید شناسد و اجنبی باشد و اجنبی در انتخاب پذیرفته نیست .

محمد هاشم میرزا ۱ - اگر چه حق این ماده این بود که جزء جزء مذاکره میشد که یکی در معروفیت محلی و دیگری در علاقه بطور مبسوط مذاکره میکنند ولی چون حالا آقای لواءالدوله در علاقه صحبت کردند مخالفت بنده این است که عرض میکنم آقایان تصور میکنند علاقه فقط منحصر بملک است خیر اینطور نیست بلکه علاقه همه چیز است قوم خویش علاقه نوع علاقه حوضن علاقه است آقایان تصور می کنند که اگر بنده ملکی داشته باشم بواسطه مالیاتی که بر من تحمیل میشود علاقه دارم ولی تصور نمی کنند که اگر یک قانون بدی راجع بنظام گذشت و بنده جزء نظام بودم بواسطه آن قانون بمن تحمیل میشود یا قانون دیگری گذشت راجع بمجازات بنده را گرفته و بدون دلیل مجازات کردند و مکافات دادند و کسان بنده و خویش آورد بنده را بقید اسارت گذاشتند این علاقه نیست هزار علاقه هست که هزار و یکم او یکصد و پنجاه تومان ملک است تصور میکنم و آقایان علاقه را بمعنی لغوی و اصطلاحی منحصر بصد و پنجاه تومان ملک کرده اند و بنده علاقه را خیلی اعم از اینها میدانم ورد میکنم فرمایش آقای لواءالدوله را که میفرمایند اگر بنده صد و پنجاه تومان ملک نداشته باشد خوش نشین است هر جا دلش خواست میرود گمانم این است که اشخاصیکه در راه آزادی گشته شدند باید علاقه نداشته باشند برای ورئه آنها پنج تومان دو تومان و یکتومان در مجلس تصویب کردند برای معیشت آنها و یک نفر گشته نشد در راه آزادی که صد هزار تومان علاقه داشته باشد و بنده شاید ندیده باشم و اگر هم بوده گمان ندارم بهمین قصد و نیت

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (گفته شد

معز الملک - اولاً این نکته که فرمودند که چون این شرایط انتخاب کنندگان است جهت ندادن کوروشکستان بتقصیر حق انتخاب کردن را نداشته باشند بنده عرض میکنم که ممکن است آنوقت تمام ورشکستها جمع شوند بکنفر ورشکسته را انتخاب بکنند و ثانیاً این خودش یک مجازاتی است در تمام عالم در مقابل یک مجازاتی حقوق مدنی را از انسان سلب میکنند این خودش یک نوع مجازاتی است یعنی کسیکه میتوانست آن اطمینانی را که مردم باو داشتند آنرا بموقع اجرا بگذارد و کسیکه عمداً ورشکسته به تصدیق مال مردم را ببرد لیاقت این را ندارد که مداخله در امور مملکت بکند باینجه کلیه این حق را که یکی از حقوق مدنی است او را سلب میکنند و این هیچ عیب و هیچ منافات ندارد با جانی و خیلی هم خوبست .

حاج وکیل الرعایا - بنده خیلی جرئت میکنم و عرض میکنم که در آن اول محروم کردن نسونان است که یکقسمت از مخلوق خداوند است که آنها را محروم کنیم با کدام دلائل منطقی میتوانیم آنها را محروم بکنیم من جرئت کردم اگر ما چه بخواهیم چه نخواهیم در هر صورت ما محکوم بعمل کردن بقرآنیم آنها که نمیخواهند بروند و نخواهند که مجبور باطاعت نیستند پس باید بدانیم در اینجا چه دلیلی داریم که آنها را باید محروم بکنیم اگر دلیل منطقی داریم که آنها را محروم بکنیم اول کسیکه این طوق را بگردن خودش بیندازد بنده هستم و اگر میخواهیم ببینم بچه جهت آنها بنشینند اگر بگوئیم باید محفوظ باشند این شرط روی دادن آنها لازم نیست که داخل مرد ها بشود ممکن است که خودشان عالم داشته باشند همه چیز داشته باشند این مخلوق خدا تا چه وقت محروم باشند یک جماعت محبوب خدا آنقدر بدلت باشند که یک چیزی که نشانه انسانیت است از آنها بروز کند کم عقب کشیدیم تا باندازه عقب کشیدیم در زیر ابر پنهان شدیم .

ذکاء الملک - یک نزاع خیلی بزرگی است این مسئله ولی مترقب نبودیم که اینجا پیش بیاید عرض میکنم بنده گویا از همه کس بیشتر خواه این هستم که زنها یک حقوق عمده داشته باشند خیلی ترتیب زندگانی صحیحی داشته باشند و حقوق ثابت معینی که دارند داشته باشند عرض کردم این یک نزاع بزرگی است و بنده مترقب نبودم که حالا این مذاکره پیش بیاید و بنده هم خیلی مشتاق هستم که ترتیب حال نسونان در این مملکت خوب بشود و ترقی نمایند و از این زندگانی که در واقع زندگانی محسوس است از این بیرون بیایند و هیچکس نیست که متاسف نباشد از اینکه وضع زندگانی آنها خوب نیست ولی اینکه ما سلب آن حق را از آنها کرده ایم محتاج دلیل و برهان نیست که توضیح بدهم هر وقت که ممکن بود زنها بیایند شرکت در انتخابات بکنند و رأی بدهند فوراً تصدیق خواهیم کرد .

حاج شیخ اسدالله - اشکالیکه بنده دارم در این ماده چهارم است در این فصل مینویسد در شرایط انتخاب کنندگان آن وقت در ماده در ذیل آن دارد که یکی شرایط و دیگری موانع راسی

نویسد پس این ماده چهارم شرایط نیست که اینجا نوشته شده است و فصل دوم راجع بشروط است و شرایط فقط همان ماده سیم بود که نوشته شده است و ماده چهارم شرایط نیست و موانع است این یک اشکال و دیگر عرض بنده این است که تبعه ایران را بعد از آنکه در ماده سیم نوشت کفایت میکند دیگر لازم نیست دو مرتبه بنویسد تبعه خارج نباشد و همان یک فقره کفایت میکند و یک فقره دیگر آنکه مینویسد پنجم - اشخاصیکه کمتر از بیست سال داشته باشند حق انتخاب نمودن ندارند این را هم در ماده پیش گذشت دیگر اینجا این را زیاد میمانم یکی دیگر فقره هشتم - مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین بارتکاب قتل و سرقت و امانت آن اینست که این حق را از این اشخاص که سلب میکنند این مجازاتی است که از برای اقرار داده اند و آن وقت که ما برای آن شخص مجازات قرار دادیم فرق نمیکند که مجازات او مجازات قانون اسلامی باشد یا مجازات قانونی مملکتی باشد منحصر کردن بمجازات قانون اسلامی بنده این را کافی میدانم بلکه نوشته شود مستوجب مجازات اسلامی و قانونی مملکتی شده باشد بهتر است و باید اشخاصی را هم که مستوجب مجازات قانونی شده باشند محروم کرد که دیگر حق انتخاب کردن نداشته باشند که دیگر هوس خلاف قانون نداشته باشند در ضمن یکی از همان قانون هائیکه سابق گذشت و حالا نظرم نیست حق را از آنها سلب کردیم در هر حال بنده عقیده ام اینست که هر کس مستوجب مجازات قانونی مملکتی شده باید این حق را هم از آنها سلب کرد بجهت اینکه یک مجازاتی جهت آنها قرار داده شود .

ذکاء الملک مخبر - بیانات آقای آقا شیخ اسدالله منافاتی نداشت فرض اسلامی و غیر اسلامی نیست مقصود اینست که مجازات قانونی و چون مجازات قانونی لابد در مملکت ماموافق قانون اسلام است این است که نوشته اند اسلامی و کافیت .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (بعضی گفتند کافی است و بعضی اظهار نمودند کافی نیست) **رئیس** - آقای مدرس موافق هستید؟ (مدرس بلی)

مدرس - از اول عمر تا حال بسیار در بر و بحر ممالک اتفاق افتاده بود برای بنده ولی بنده بلرزه نیامد و امروز بدنم بلرزه آمد اشکال بر کمسیون اینکه

اولاً نباید اسم نسونان را در منتخبین برد که از کسانی که حق انتخاب ندارند نسونان هستند مثل اینکه بگویند از دیوانه ها نیستند سفها نیستند این اشکال است بر کمسیون و اما جواب ما باید بدهیم

از روی برهان نزاکت و غیر نزاکت رفاقت است از روی برهان باید صحبت کرد و برهان این است که امروز ما هر چه تأمل میکنیم می بینیم خداوند قابلیت در اینها قرار نداده است که لیاقت حق انتخاب را داشته باشند مستضعفین و مستضعفات و آنها از آن نمراند که عقول آنها استعداد ندارد گذشته از اینکه در حقیقت نسونان در مذهب اسلام ما در تحت قیومتند الرجال قوامون علی النساء در تحت قیومیت

۳

رجال هستند مذهب رسمی ما اسلام است آنها در تحت قیومتند ابدآحق انتخاب نخواهند داشت دیگران باید حفظ حقوق زن را بر بکنند که خداوند هم در قرآن میفرماید در تحت قیومیت اند و حق انتخاب نخواهند داشت هم دینی هم دنیوی این مسئله بود که اجمالاً عرض شد لکن بشروط دیگر خیلی مطلب داشت در قانون مجازات خارجه دیده ام در قانون مجازات خودمان هم که داریم این است که یکی از تادیبها و تربیت اخلاقی سلب حقوق مدنیت است که بقدر مدارس کبیره تادیب اخلاق میکنند که مردم اخلاق را مذهب میکنند که آن حقوق را حق داشته باشند و این لفظی که آقا فرمودند (اسلامی) لفظ غریب و عجیبی بود که از اول افتتاح پارلمان تا حال گفته نشده بود امروز قانون سی کرور از اهل اسلام بتصویب مجلس مقدس رسیده قانون اسلام است و اشکال ندارد قانونی که در مملکت ماضع میشود هر جا لفظ قانون میگوئیم یعنی قانون اسلام اعم از اینکه بعنوان اولیه یا بعنا این ثانویه باشد الان که رأی داده شد و ما هم گفتیم در تلگرافات هم نوشتیم که امروز مذاکره بر سلب این لازم است که اشخاصی که برای شرارت میآیند باید دفعشان کرد بسا هست این گفته که گفته ایم صد کرور خرج بردارد یا یک کرور خلق کشته شده این حکم اسلام است اگر حکم اسلام نبود ممکن نبود مجلس شورای ملی اسلامی بگوید و علماء هم تصویب بکنند پس در هر جا که قانون اسلام است باید دقت کرد سر مونی برخلاف نشود .

رئیس - دو فقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود - (از قرار ذیل قرائت شد) ۱ - از طرف آقای حاج سید ابراهیم - بنده پیشنهاد میکنم که ماده چهارم از شرط پنجم تا آخر این طور نوشته شود: ۵ - اشخاصی که کمتر از بیست سال داشته باشند ۶ - متکدیان و اشخاصی که بوسائل بی شرفانه تحصیل معاش مینمایند ۷ - مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند مادام که مجازات نشده اند و معروفین بارتکاب قتل و سرقت و امانت آنکه در محکمه قانونی برائت خود را حاصل نکرده باشند ۸ - اهل نظام بری و پیری باستثناء صاحب منصبان افتخاری (۲) از طرف آقای ادیب التجار - این اصلاح را تقدیم مینمایم که ضمیمه جمله سیم در ماده چهارم شود بطریق ذیل ۳ تبه خارجه و تحت حمایت و تأمین خارجه نباشند بنده پیشنهاد میکنم که این شرط بر شرایط ماده چهارم افزوده شود و هم اشخاصیکه در تحت حمایت خارجه نباشند .

رئیس - این پیشنهادها هم فرستاده می شود بکمسیون ماده ۵ اشخاصیکه بشرط از انتخاب نمودن محرومند .

۱ - حکام در قلمرو مأموریت خود .
۲ - مستخدمین ضابطه و نظمی در محل خدمت **رئیس** - در ماده پنجم مخالفی هست ؟
آقای میرزا احمد - بنده فقط یک سؤال دارم از آقای مخبر که مراد از مستخدمین ضابطه و نظمی مراد است حتی اعضاء اداری آنها یا آنکه فقط مأمورین اجرا مراد است دیگر آنکه مراد از ضابطه

خوانده میشود بعبارت ذیل قرائت شد .
ماده ۸ - در هر حوزه انتخابیه در يك يا چند نقطه مطابق صورتیکه در جدول منضمه باین قانون معین شده حکومت هر نقطه انجمنی با م انجمن نظارت موقتاً تشکیل میدهد که مراقب و مسئول صحت انتخابات باشند .

رئیس - مخالفی هست در این ماده .

حاج شیخ اسدالله - اینجا مینویسد در هر حوزه انتخابیه حکومت آن محل انجمنی با اسم انجمن نظارت تشکیل میدهد و در ماده بعد مینویسند در هر محلی که انجمن ایالتی و ولایتی داشته باشد عده اعضاء را انجمن معین میکند که سه نفر از انجمن و چهار نفر از خارج انجمن معین میکنند منتهی بنظارت حکومت است که حکومت در آن چهار نفر نظری دارد و انجمن نظار را هیچ حکومت تصدیق نمیکند و بتصویب او نیست فقط منحصر است که از وظایف انجمن ایالتی و ولایتی است و بطور مطلق اینجا نوشته است که حکومت در همه جا يك يا چندین حوزه تشکیل میدهد این با آن مخالف است .

ذکاء الملک - بنده ملتفت نشدم اعتراض آقای حاج شیخ اسدالله را در هر حال در هر جا حکومت انجمن نظار را تشکیل میدهد منتها اعضاء این انجمن بطور تعیین میشوند و بوجه شکل تشکیل انجمن داده میشود - در جایی که انجمن ولایتی یا ایالتی هست سه نفر از اعضاء انجمن و چهار نفر دیگر را هم بتصدیق انجمن معین میکنند منافاتی ندارد و در جایی هم که انجمن ایالتی و ولایتی نباشد که خود حکومت مستقلاً انجمن را تشکیل میدهد .

معزز الملک - در این ماده (۸) مینویسد در هر حوزه انتخابیه در يك يا چند نقطه مطابق جدولی که منضم باین قانون الی آخر بنده این يك يا چند نقطه را نمیفهمم اینجا گویا زیادی باشد این در جایی که صد هزار نفر یا هر چه باشد البته آن نقطه را اسم میبرد میگوید که این حوزه انتخابیه است پس بنابراین باید گفت که در حوزه انتخابیه يك انجمن نظارتی تشکیل میشود لکن میتوان گفت که در تمام نقاط شاید نتوانند بیابند در حوزه مرکزیه رأی بدهند آنوقت باید گفت بتصویب حکومت و انجمن نظارت مرکزی که چون نمیتوانند از تمام نقاط در حوزه مرکزی حاضر شوند يك شعبه در انجمن نظارت تشکیل داده شود در جایی که دسترسی ندارند و علی ای حال در آن جدول که منضم باین قانون نوشته میشود بجز يك نقطه را که با اسم حوزه انتخابیه تعیین میکنند دیگر جایی را اسم نمیبرد و هر حوزه انتخابیه باید عملیات انتخاب خودش را در مرکز آن حوزه بیاورد نمیشود گفت در يك يا چند نقطه حکومت انجمن نظارتی تشکیل میدهد و بنده در این باب يك پیشنهادی کرده ام قرائت شود .

ذکاء الملک - در وقتی که این ترتیب داده شده است در کمیسیون آقای معزز الملک تشریف نداشتند همانطوریکه خودشان مسبق هستند مجبور شدیم ما نقاطی را داخل هم دیگر بکنیم که نسبت بهم دیگر تمعیت ندارند ولیکن در تحت يك حوزه انتخابیه واقع شده اند بدو جهت نمیتوانیم محل انتخابات را در يك نقطه واحد قرار بدهیم یکی بواسطه اینکه

نسبت یکدیگر تبعیت ندارند و در عرض یکدیگر واقع شده اند یکی هم بواسطه اینکه هر چند ما حوزه های انتخابیه را کوچک کرده ایم معذک آن اندازه ندانسته ایم حوزه های انتخابیه کوچکی تعیین بکنیم که تمام مردم در آن يك نقطه حاضر شده رأی بدهند مجبور باین شدیم که نقاط متعدده تعیین کنیم که مردم در آن نقاط متعدده بیایند رأی بدهند پس در آن نقاط متعدده انجمن نظار متعدد لازم میشود و ایشان هم این امر را اساساً تصدیق دارند ولی میفرمایند که آن انجمنهای جزء که شعبه این انجمن نظار مرکزی باشد ولی چه شعبه فرض بکنیم چه انجمن جزء بگوئیم فرق ندارد ما آن نظر که چون تمام نقاط تبعیت بهم دیگر ندارند و در عرض هم واقع شده اند لازم شد و قرار گذاشتیم که انجمن نظارت جزء باشد که مردم بیایند رأی خودشان را بدهند و يك انجمن نظارت کلی در نقاطی که میتوانستیم مرکز قرار بدهیم که واقعا مرکزیت داشته باشد نسبت بآن نقاط وقتی که انتخاب تمام شد نتیجه را بیاورند بانجمن نظارت کل که حاصل آنرا تشخیص داده و نماینده را تعیین بکنند .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد دو فقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود (پیشنهادی از طرف آقای معزز الملک بعبارت ذیل قرائت شد)
ماده ۸ - در مرکز هر حوزه انتخابیه مطابق صورتیکه در جدول منضمه باین قانون معین شده حکومت محل انجمنی با اسم انجمن نظارت موقتاً تشکیل میدهد که مراقب مسئول صحت انتخابات باشد ولی اگر بجهاتی تمام نقاط يك حوزه انتخابیه نتوانند در مرکز حوزه حاضر شده انتخابات را بعمل آورند ممکن است بتصویب حکومت در نقاط لازمه يك حوزه انتخابیه انجمنهای نظارت جزء معین شود که در انتخابات آن محل نظارت داشته باشند .
(پیشنهادی هم از طرف آقای شیخ اسدالله بعبارت ذیل قرائت شد)
(بنده پیشنهاد میکنم که بجای لفظ مراقب تصدیق نوشته شود)

رئیس - فرستاده میشود کمیسیون ماده ۹ قرائت میشود (ماده مزبوره بعبارت ذیل قرائت شد)
ماده ۹ - در محلهاییکه انجمن ایالتی یا ولایتی موافق قانون برقرار است انجمن نظارت مرکب خواهد بود از سه نفر از اعضاء انجمن ایالتی یا ولایتی و چهار نفر از مردمان باسواد معروف بامانت در تحت ریاست حاکم این چهار نفر را انجمن ایالتی یا ولایتی بتصویب حاکم از غیر اعضاء خود معین خواهد کرد .

حاج سید ابراهیم - در نظامنامه پیش نوشته شده بود که بنظارت حاکم حالا سمت ریاست نوشته شده است که حاکم رئیس باشد بیشتر حاکم يك نماینده از طرف خودش بانجمن میفرستاد که يك نظارتی از طرف او داشته باشد یعنی مواظب باشد که از روی قانون رفتار شود اما ریاست داشته باشد این صحیح نیست خوبست لفظ ریاست را بردارند لفظ نظارت را بگذارند .

ذکاء الملک - در نظامنامه سابق هم لفظ ریاست بوده است گمان نمیکنم که ضرری داشته باشد .

بهجت - این ماده يك قدری نقصان دارد باید تکمیل شود برای اینستکه مینویسد حاکم باید نوشته شود یا نماینده آن و دیگر آنکه هفت نفر باید معین شود برای انجمن نظارت چهار نفر را میتواند انجمن ایالتی یا ولایتی تعیین کنند و سه نفر از خود انجمن هم تعیین می شود این را نوشته است که کی معین می کنند شاید هم چنین تصور شود که چهار نفر را میتواند انجمن ایالتی معین بکنند و آن سه نفر را حاکم معین میکند ممکن بود که ما این قید را بکنیم که این هفت نفر را انجمن ایالتی و یا ولایتی با تصویب حکومت معین بکنند چنانچه در مواد سابق هم نوشته است با تصویب حکومت معین چنانچه در مواد سابق هم نوشته است با تصویب حاکم پس نمایش ناقصی است که نوشته است این چهار نفر را انجمن بتصویب حاکم معین میکند در آن چند نفر هم عقیده بنده این است که بتصویب حاکم باشد .

حاج شیخ اسدالله - بنده فرقی نمیدانم از اینکه این سه نفر را حاکم معین بکنند یا خود انجمن ولی اگر با خود انجمن است باید يك نوعی طریق تعیین آن سه نفر در میان اعضاء انجمن معین باشد یا با کثرت یا بقرهه بعقیده بنده اگر خود انجمن باید تعیین بکنند با کثرت این سه نفر را معین میکند .

رئیس - مذاکرات کافی نیست (اظهار شد کافی است .

رئیس - يك فقره پیشنهاد از طرف حاج سید ابراهیم شده است قرائت میشود (پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده (۹) در تحت نظارت حاکم نوشته شود .

رئیس - فرستاده میشود کمیسیون ماده ۱۰ قرائت میشود .

ماده ۱۰ در جاهاییکه انجمن ایالتی و ولایتی نیست انجمن نظار مرکب خواهد بود از هفت نفر از معتمدین اهل محل در تحت ریاست حاکم یا نماینده حاکم بتعین خود او موافق تحقیق از اهل محل .
رئیس - مخالفی در این ماده هست .

دکتر حاج رضا خان - بنده مجبور عرض کنم چون در آن جا مخالف بودم ممکن است در اینجا هم مخالف باشم ممکن است در اینجا هم عرض خودم را بکنم در نظامنامه انتخابات سابق این ماده بيك ترتيب دیگر نوشته شده بود و فلسفه اش هم معلوم بود و چرا آن طور نوشته شده است و در آنجا نوشته شده بود از علماء از طبقه تجار و کار گذاری محل چرا این شکل بوده است این شرایط را باید ملاحظه کرد که تبعه ایران یا غیر ایران را که رأی میدهیم این را کی میتواند معلوم کند کار گذاری میتواند معلوم بکنند یا این که معروف باشد و باسواد و با امانت باشد لکن همسایه اش او را شناسد حاکم که او را معین بکنند چه فایده دارد باید از طبقه تجار و علماء بیایند رأی بدهند که بشناسند اینجا بنده هیچ نمیفهمم که مردمان باسواد معروف بامانت باشند مسا که او را نمیخواهیم که ملاحظات امانت را بکنیم باید او مردم را بشناسد اما این که حفظ امانت کافی باشد این طور نیست و آن وقت در این ماده

(۱۰) که میگوید خود حاکم معین میکند در جاهائی که انجمن نباشد و کار گذاری هم نباشد میتواند يك نفر از معتمدین آن جارا معین بکند این است که بنده با آن دو ماده مخالفم و این را که عرض کردم بهتر میدانم.

ذکاء الملک - بلی این ماده بآنطوریکه بوده بعضی مزایا و محسنات داشت لکن اینجا يك چیزی بوده که مامجبور شدیم باین شکل اختیار بکنیم و آن این است که غالباً حوزه های انتخابات يك طرز خواهد بود که شاهزاده واعیان و کار گذار نداند چیزیکه اکثر اینطور بوده گفتم قاعده را برای اول مینویسیم و حال اکثر را ملاحظه نمودیم حالادر جائی که شاهزاده واعیان و کار گذار داشته باشد البته آنها برتری خواهند داشت ولی نمیتوانیم يك قانونی بگذاریم که شامل جزء اول بشود و اکثر در آن بحال استثناء باشد.

حاج سعید ابراهیم - این نه بودن کار گذاری در بعضی نقاط علت نمیشود که طبقه تجار و علماء واعیان واصناف نباشند چه ضرر دارد که اینجا علماء واعیان و تجار واصناف قرار بگذارند این یکی مطلبی نیست بنده عرضم برای این بود در اینجا که نوشته شده است در شهرهای بزرگ که انجمن نظارت شعبه پیدا میکند پنج نفر معین میشود و گمان میکنم اینجا هائیکه انجمن ایالتی و ولایتی ندارد بزرگ تر از يك محل شهری نباشد هیچ جهت ندارد مقید بکند که هفت نفر باشند آنوقت آنها را هم مقید بکنیم که با اطلاع باشند و ما چندین قید داشته باشیم که اسباب عدم جریان انتخابات بود پس خوب است این راهم پنج نفر بکنیم مثل همان پنج نفر که در آن شعبه شهرهای بزرگ باشد.

بهجت - در جاهائیکه انجمن ایالتی و ولایتی نیست غالب طبقات هم وجود ندارد باید درست تأمل کرد که آن حوزه بندیها بچه شکل است ملتفت خواهند شد که غالباً بلوک است و یقین دارم که از صدی پنج در این بلوک کار گذار نیست شاید از علماء باشند ولیکن از طبقه تجار و اعیان نیست بجهت اینکه غالباً دهات و بلوک است که ما گفتیم شامل میشود که طرف اطمینان و محل وثوق مردم باشد مثلاً نوشته شده است از شاهزادگان برای دو نقطه اسم ببریم شاهزاده آن وقت برای نود و هشت نقطه دیگر استثناء بکنیم این خلاف منطقی است از فصاحت و بلاغت خارج است ما مینویسیم معتمد اهل محل آخر این عبارت را مینویسیم که محل وثوق مردم باشد آنوقت ممکن است که اسامی اشخاص را نبرد این هیچ فایده ندارد شاید يك تاجر بود و هیچ طرف اعتماد مردم هم نبود آنوقت حاکم مجبور است که او را معین بکند بدیهی است که حاکم نمیتواند مجبور بشود که از طبقات اشخاص معین بکند اینجا بطور ساده نوشته شده است که هفت نفر را انتخاب بکنند که محل اعتماد مردم باشد بدیهی است که ما نمیتوانیم برای تعیین انجمن نظارت اشخاص معین بکنیم فقط چیزی که هست البته اگر يك شاهزاده صحیحی بود حکومت برای رضایت اهل محل او را معین خواهد کرد و همچنین بکنفر تاجر یا اگر يك نفر کار گذار بود حاکم آنها را معین خواهد کرد بدیهی است ما رضامندی اهل محل را که شرط کردیم اینها در ضمن رضامندی ملحوظ خواهد شد و راجع

بشعباتیکه معین میشود در شهرهای بزرگ آن هم اینست که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند انجمن نظاریکه میشود در نقاط جزء آنها زحیات اینها را ندارند مثلاً در تهران يك شعبه در شهر نو تشکیل میشود صندوق آرایش میآید و در مرکز آن که تهران است یعنی در يك محلیکه برای انتخابات معین شده است منتهی از آنجا نمیتوانند بیایند بمرکز آنجا رای میدهند آن وقت استخراج آراء آن شعبه به تصویب انجمن نظار مرکزی است ولی سایر شرایطی که در انجمن نظار هست در آنها نیست یعنی استخراج آراء نمیکند صورت مجلس نمینویسند فقط صندوق را باز میکنند و استخراج آراء میکنند پس بنابراین ترتیب همین ماده که اینجا نوشته شده است صحیح است و هیچ محتاج به تفسیر نیست.

آقا سید حسین اردوبیلی - در این جا این معتمدین اهل محل که نوشته است در واقع اگر تعیین شود فقط شامل بان اشخاصیکه از بستگان خود حاکم هستند میشود.

فقط حکومت تشکیل خواهد داد و کسانی را جمع خواهد کرد بدینخواه خود و اگر هم از اهل محل تحقیق بشود از همان اهل محلیکه تحقیق میشود که طرفدار همان هیئت هستند باید دید که يك باقیه دیگر از علماء و تجار و سایرین هستند که بتوانند تحقیق بکنند که معتمدین طرف اعتماد اهل محل هستند یا که طرف اعتماد حکومت هستند اینست که بنده تصور میکنم این چیز را که آقای بهجت فرمودند کافی نیست و آن مقصودی را هم که دارند نپرساند.

رئیس - مذاکرات گویا کافی است - دو فقره اصلاح است قرائت میشود و میفرستیم بکمسیون (۱) - اصلاحی از طرف آقای آفاشیخ اسدالله بعبارت ذیل قرائت شد.

بنده پیشنهاد میکنم که در این ماده اضافه شود سه نفر از اعضای انجمن ایالتی یا ولایتی با کثرت الی آخر.

۲ - اصلاحی هم از طرف آقای حاج سید ابراهیم بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که در انجمن نظارت شرط شود که حاکم از طبقات اربعه علماء تجار، اعیان، اصناف - از هر طبقه يك نفر موافق شرایط برای انجمن نظار انتخاب میکند **رئیس** - اگر مخالفی نباشد شور در بقیه این قانون بماند برای جلسه آتیه آقای آقا محمد رضا آقا میرزا رضا خان زائینی از عضویت کمسیون فواید عامه استعفاء داده اند و در جای ایشان در جلسه آتیه باید انتخاب شود.

آقای بهجت هم از کمسیون عرایض استعفاء داده اند از شعبه پنجم عوض ایشان باید انتخاب شود. دستور جلسه آتیه هم از این قرار است - شور در بقیه قانون انتخابات کسنترات مسیو هازه راپورت کمسیون بود چه راجع به ورثه شیخعلی مقتول - مخالفی هست در دستور.

لواء الدوله - میخواستم عرض کنم که مسئله ادیب المجاهدین که در جلسه قبل لاینجل مانده است جزء دستور شود که این بیچاره آسوده شود و یکی هم مسئله میرزا عبدالعلی مجاهد است که راپورتش بهیئت رئیسه داده شده است اینها اگر زودتر بگذرد

اسباب تشویق میشود و شاید برای ملت بهتر باشد در اینموقع.

رئیس - خوب يك فقره از اینها که جزء دستور روز شنبه مابقی را هم تقاضا خواهید کرد که جزء دستور آتیه میشود - دیگر مخالفی نیست مخالفی نبود.

رئیس حرکت کرد و مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم گردید.

جلسه ۲۸۰

صورت مشروح جلسه یوم شنبه دهم

شهر شعبان المعظم ۱۳۲۹

رئیس - آقای مؤتمن الملک سه ساعت و ده دقیقه قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس و سه ساعت قبل از ظهر مجلس را رسماً افتتاح فرمودند.

آقا میرزا ابراهیم خان جلسه صورت قبل را قرائت کردند.

اسامی غائبین جلسه قبل از قرار ذیل قرائت شد - غائبین بدون اجازه - آقایان حاج آقا -

معاضد السلطنه - دکتر اسمعیل خان - حاج امام جمعه دکتر لقمان - غائبین با اجازه آقایان طباطبائی -

آقا محمد بروجرودی - مریم آقای مرتضی قلیخان آقایانیکه بعد از وقت مقرر حاضر شدند آقای

اسدالله خان کردستانی یکساعت ونیم - دکتر امیرخان یکساعت و بیست دقیقه - آقایان مشیرحضور

حاج شیخ اسدالله - ناصر الاسلام - آقا میرزا علی اکبر جان هر یک نیمساعت - آقای آقا میرزا ابراهیم

۳۵ دقیقه آقای دکتر سعیدالاطباء ۴۰ دقیقه آقای میرزایانس ۵۰ دقیقه.

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟ (اظهاری نشد).

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی نیست

صورت مجلس تصویب شد چند فقره تلگرافات تنفraz ولایات و ایالات رسیده است اسامی آنها قرائت می شود (اسامی به ترتیب ذیل قرائت شد).

از انجمن ایالتی تبریز - از شیراز نظام السلطنه

شیخ ذکریا - انجمن ایالتی فارس - از ناصری رئیس عدلیه و رئیس نظمی عربستان و چند نفر دیگر از رشت -

انجمن ولایتی - تجار و اعیان واصناف میرزا حسینخان کسائی از اصفهان - آقای سردار آشجملی - انجمن ولایتی

از قزوین - اعیان و علماء و تجار - انجمن ولایتی از یزد علماء و اعیان - انجمن ولایتی هیئت مؤتلفه تجار و

غیره از قم انجمن ولایتی - متولی باشی از کرمان سردار نصرت انجمن ایالتی انجمن خیرخواهان علماء

تجار کسبه از عراق اعیان تجار و غیره از اسلامبول انجمن سعادت جمعیت معاونت.

رئیس - شروع میشود بشور قانون انتخابات از ماده یازده (ماده ۱۱ بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۱ - در شهرهای بزرگ بجهت دادن تعرفه انجمن نظارت میتواند در هر محله شعبه

جدداً تشکیل نماید مرکب از کدخدایان و پنج نفر از معتمدین محل

حاج سعید ابراهیم - بنده چنانچه عرض کردم چهار نفر از طبقات علماء و تجار و اعیان واصناف

برای نظارت معین شوند کافی است و بهتر است و پنج نفر زیاد است چهار نفر باین ترتیب باشد بهتر است.